


نوع مقاله: ترویجی

## نقد مبانی معرفت‌شناسی نئولیبرالیسم در آموزش از منظر تعلیم و تربیت اسلامی

tabatabaei.alzahra@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-3894-6171

مریم‌السادات طباطبایی حسنی / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شاهد

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

### چکیده

این پژوهش با هدف نقد مبانی معرفت‌شناسی نئولیبرالیسم در آموزش، از منظر علامه مصباح یزدی صورت گرفت. نوع این پژوهش کیفی و برای دستیابی به هدف پژوهش از دو روش پژوهش تحلیل اسنادی و پژوهش استنتاج عملی فرانکنا و نیز نقادی بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی آثار و نوشته‌ها و روایت‌های تاریخی مرتبط با موضوع نئولیبرالیسم در حوزه آموزش و معرفت‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی بوده است. براساس یافته‌های پژوهش، ذهنیت حکومت نئولیبرالیسم سعی بر آن دارد که افرادی پرورش یابد که خودمحموری، ویژگی اساسی آن است. در این سوژه در ظاهر، آزاد و مختارند تا زمان و منابع خود را برای تحقق هرچه بهینه‌تر سرمایه انسانی در وجود خودشان مدیریت کنند و اعضای حوزه آموزش وارد فضای رقابتی و مبهم می‌شوند و امنیت شغلی آنها در گرو تطابق با معیارهای مستمر و استانداردهاست. ولی از منظر تعلیم و تربیت اسلامی، اساسی‌ترین جایگاه علم، آماده‌ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در زمینه‌های مختلف است.

**کلیدواژه‌ها:** معرفت‌شناسی، لیبرالیسم، نئولیبرالیسم، آموزش، تعلیم و تربیت اسلامی.

## مقدمه

نئولیبرالیسم چیست؟ ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به معرفت‌شناسی چیست؟ نقدهای معرفت‌شناسی نئولیبرالیسم از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

در ارتباط با پیشینه پژوهش؛ محمدی و میرزاحمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «انسان اقتصادی از منظر مکتب تربیتی لیبرالیسم کلاسیک تا نئولیبرالیسم» با رویکردی توصیفی و تحلیلی به موضوع نگریسته است. محمدی و زیباکلام (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی انتقادی سیستم پاسخ‌گویی تأملی بر تلقی دانشگاه به‌عنوان نهاد شبه‌بازار» با نگاهی توصیفی و تحلیلی به موضوع نگریسته است. میرزاحمدی و محمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «تأملی بر مبانی انسانی ارزشیابی کیفیت در مبانی ایران» به موضوع نگریسته است. با نگاه به اهداف و نتایج پژوهش‌های یادشده، ملاحظه می‌شود که تاکنون پژوهشی با تأکید بر بعد نقد مبانی معرفت‌شناسی نئولیبرالیسم در آموزش از منظر علامه مصباح یزدی پرداخته نشده است.

## ۱. مبانی نظری

در منطق نئولیبرالیسم نهادهای اجتماعی زمانی بهترین کارایی را دارند که از مکانیزم قوانین بازارهای آزاد اقتصادی و شرکت‌های تجاری پیروی کنند. در این تلقی، مدرسه و دانشگاه به‌عنوان نهادهای رسمی تربیت، مانند شرکت‌هایی هستند که تربیت را به‌عنوان کالا عرضه می‌کنند. دانش‌آموزان، دانش‌جویان و والدین مشتریان کالا هستند و روابط آنها با نهادهای تربیتی همانند روابط مشتریان با نهادهای تجاری است. انتخاب آزاد، جلب رضایت مشتری، بهره‌مندی از خدمات تربیتی در قبال پرداخت هزینه (خصوصی‌سازی نهادهای تربیتی)، سیر تعلیم و تربیت به‌سوی دستاوردهای زودبازده اقتصادی، افزایش رقابت بین نهادهای تربیتی برای کسب درآمد (عمدتاً از طریق تجاری‌سازی دانش) و تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان مشتریان شرکت‌های تجاری، از مهم‌ترین نمودهای این پروژه تجاری‌سازی هستند. تجاری‌سازی تعلیم و تربیت به معنای حاکمیت مدیریت به‌روش بازارهای اقتصادی در آن است (محمدی و زیباکلام، ۱۳۹۳). در این تلقی افراد در رقابت با دیگران برای بهره‌مندی از کالاهای تربیتی رقابت می‌کنند. مبنای برخورداری هر فرد از تعلیم و تربیت میزان سرمایه‌گذاری اوست. افراد برای بهره‌مندی از تعلیم و تربیت مجبور به پرداخت شهریه هستند و بنابراین میزان

لیبرالیسم در معنای رایج آن از قرن هفدهم و با اندیشمندی همچون جان لاک و آدام اسمیت در انگلستان شروع می‌شود. زندگی اجتماعی قرن هفدهم از دو ویژگی برخوردار بود: پیدایش بورژوازی و ظهور علوم جدید. اما نخستین باری که واژه لیبرال در متنی سیاسی به کار گرفته شده در متون سیاسی اروپای ضدروحانی قرن نوزدهم بود. در نظر بسیاری از کاتولیک‌ها واژه لیبرال بجز زمانی محدود، در مورد تعلیم و تربیت به کار گرفته شده است (رایان، ۱۳۷۸، ص ۳۴). نئولیبرالیسم شکل نوینی از لیبرالیسم است که امروزه سیاست‌های تربیتی و اجتماعی را در کشورهای سرمایه‌داری و بسیاری از کشورهای دیگر جهان تحت تأثیر قرار داده است (محمدی و زیباکلام، ۱۳۹۳). اصول اساسی نئولیبرالیسم شامل این موارد است: ۱. قانون بازار و رها کردن شرکت‌های آزاد یا شرکت‌های خصوصی از هر محدودیتی که توسط دولت وضع شده است؛ ۲. قطع هزینه‌های عمومی برای خدمات اجتماعی، مانند آموزش و پرورش و مراقبت‌های آموزشی؛ ۳. خصوصی‌سازی و حذف مفهوم نفع عمومی یا اجتماعی و جایگزینی آن با مفهوم مسئولیت فردی (کلارک، ۲۰۰۵). نئولیبرالیسم در پی ایجاد بازارهای اقتصادی آزاد، کاهش نقش دولت در ایجاد خدمات عمومی و اجتماعی، افزایش رقابت آزاد برای رسیدن به منافع و ترویج دارونیسیم اجتماعی است. در دنیای نئولیبرال سیاست‌های اقتصادی و سیاسی توسط شرکت‌های بزرگ اقتصادی تنظیم می‌شود. نئولیبرال‌ها معتقدند که دولت نباید به‌هیچ‌وجه آزادی افراد (آزادی اقتصادی) را محدود کند. این پژوهش از چهار جهت دارای اهمیت و ضرورت انجام است: اول آنکه پژوهش حاضر به موضوع پژوهش در مبانی معرفت‌شناختی فلسفی از دید تعلیم و تربیت بخصوص تعلیم و تربیت اسلامی می‌نگرد؛ رویکردی که به آن توجه نشده است. دوم آنکه پژوهش حاضر به مسائل علوم انسانی از دید تعلیم و تربیت می‌نگرد؛ رویکردی که به آن توجه نشده است. سوم آنکه تبیین مبانی معرفت‌شناسی نئولیبرالیسم در آموزش در عمل مورد استفاده پژوهش‌گران قرار بگیرد. چهارم نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی همچنین زمینه‌ساز پژوهش‌های سایر پژوهش‌گران در رابطه با این فیلسوفان از منظر فلسفه و تعلیم و تربیت خواهد شد. به‌دنبال مسئله، مفروضات و ضرورت‌های یادشده، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌دادن به این پرسش‌هاست: معرفت‌شناسی از دیدگاه

پرورشی از رهگذر بازبینی خلاقانه پاسخ نداده‌اند؛ بلکه در عوض میزانی از نظارت بروکراتیک دست‌انداخته را پذیرفته‌اند تا در عرصه‌هایی محدود، استقلال وضع موجود را در خصوص برنامه‌های آموزشی حفظ کنند (همان، ص ۱۸). کالج‌ها و دانشگاه‌ها بر بستر یک فرهنگ واحد که به معلمان و تدریس مربوط است، بنا نشده‌اند. مبنای آنها فعالیت‌های نامتجانس پژوهش‌گران و محققان رشته‌های مجزاست که هریک گفتارهای معرفتی، مجموعه‌هایی از کردارهای مادی، الگوهای تفکر و ارزیابی و راهبردهای خاص خودشان را دارند. عملاً هیچ عضو هیأت علمی در کالج‌ها و دانشگاه‌ها به‌نحوی گسترده و همه‌جانبه، نظریه تربیتی یا مربوط به برنامه آموزشی را تعلیم نمی‌دهد. بیشتر دانشگاه‌ها با کنار نهادن آن جنبه از کارشان که مشمول حوزه تحقیقاتی شان نمی‌شود، تقریباً هیچ منظرگاه نظری یا فلسفی ندارند و عملاً از یک گفتار مشترک برای تعلیم و تربیت و از یک زبان مشترک برای طراحی برنامه درسی و یا توافقی نظری درباره نقش این نهاد در فرهنگ برخوردار نیستند (همان، ص ۳۳).

در یک دنیای نئولیبرال، اولین هویت دانشجو «خریدار آموزش» است. از این رو رابطه میان دانشجو و دانشگاه همچون رابطه میان فراهم‌کننده خدمات و خریدار تصور می‌شود (فریدمن، ۱۹۵۱).

نئولیبرالیسم تمام شئون زندگی و معرفت بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی کاربرد آن بیشتر در حوزه ی اقتصادی بوده است که در این رابطه می‌توان گفت که نئولیبرالیسم در مرحله اول یک بحث تربیتی نیست و بیشتر جنبه اقتصادی آن مطرح بوده است، بسیاری از انتظارات و انتقادهای رسمی و تعلیم و تربیت بر آموزش متوسطه متمرکز است. آموزش متوسطه از یک طرف، دروازه ورود به ترقی اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و از طرف دیگر، آن را متهم می‌کنند که راهی است باز، اما نابرابر و غیرکافی به دنیای بیرون، و به‌طور کلی نه تنها سد راه آمادگی نوجوانان برای تحصیلات عالی می‌شود، بلکه اجازه نمی‌دهد آنها برای ورود به دنیای کار آماده شوند. به علاوه گفته می‌شود که مطالب آموخته‌شده در دوره متوسطه بی‌ربط هستند و در آنها توجه کافی به اکتساب استعدادها و ارزش‌ها نمی‌شود. به‌طور کلی چنین نتیجه گرفته می‌شود که برای رسیدن به رشد اقتصادی، میزان چشمگیری از جمعیت باید از آموزش متوسطه بهره‌مند باشد. بنابراین، مشخص کردن ملزومات آموزش متوسطه در آماده‌سازی جوانان برای آینده خواهد بود. توجه به یادگیری به عنوان فرایندی که در تمام طی زندگی ادامه دارد (اپل، ۲۰۰۱).

برخورداری از تربیت و نتایج حاصل از آن، همانند فرصت اشتغال بسته به سرمایه افراد است. با حاکمیت مدل بازارهای آزاد در تعلیم و تربیت، مدارس و دانشگاه‌ها سعی می‌کنند از طریق مختلف به درآمدزایی خود بیافزایند و منطق هزینه سود، بر همه روابط فرهنگی حاکمیت دارد. برگزاری کلاس‌های فوق برنامه، تبلیغات تجاری، پژوهش‌های معطوف به تبلیغ کالاها، شرکت‌های تجاری و... سعی در جذب فراگیران با توان مالی بالا، نمونه‌هایی از فعالیت‌های نهادی تربیتی جهت کسب درآمد هستند (نیک‌نشان و دیگران، ۱۳۹۶).

فردگرایی، افراط‌گرایی، تأکید بر رقابت به‌سبک داروینیسیم، اعتقاد به طبیعی بودن قوانین اقتصاد (و به تبع آن برای اصلاح شرایط موجود اقتصادی و اجتماعی از پایه‌های (اجتماع) و لزوم عدم دخالت دولت و گروه‌های مهم، فرهنگ شرکت نئولیبرالیسم است. تسلط اقتصاد و ارزش‌های اقتصادی بر فرهنگ باعث می‌شود روح و معنویت تولیدات فرهنگی از بین برود. هر چیز در سایه سود و منفعت مادی معنا پیدا می‌کند و ارزش‌هایی مانند نوع‌دوستی، هم‌دلی و سایر ارزش‌های والای انسانی فدای رقابت و خودخواهی می‌شوند. به عبارتی بهتر، همه تولیدات فرهنگی به سطح کالاهایی برای فروش کاهش می‌یابند و ارزش معنوی خود را از دست می‌دهند (فریدمن، ۱۹۸۰). فرهنگ نظامی نئولیبرالیسم، با ترویج مسئله تروریسم در جامعه، باعث ترس و وحشت عمومی شده است؛ و از این طریق نظامی‌گری و سرکوب مخالفان را توجیه می‌کند. از طرف دیگر فرهنگ نظامی، افزایش مردم‌محوری، افزایش حس وطن‌پرستی در حد افراطی) در مخالفت با مهاجران و افزایش خشونت در برابر مخالفت، افزایش کنترل شهروندان توسط دولت و جایگزینی خودبینی به‌جای خودانتقادی در جامعه می‌شود (ژیرو، ۲۰۰۴). نتیجه سلطه نئولیبرالیسم بر فرهنگ، بدبینی، ناامنی و یأس است.

کل آموزش عالی چه اعضای هیأت علمی و چه کادر اجرایی و اداری آن، در مقابل این اصلاحات فلج هستند. علت چنین تسلطی این است که دانش‌وران همه رشته‌ها وظیفه تأمل مستقیم در آموزش عالی را رها کرده‌اند. آنها نه گفته‌های انتقادی را بسط می‌دهند که در مقابل خرده‌گیری‌های شرکتی ضروری است؛ و نه تخیل‌های بدیل الهام‌بخش از حیث نظری را در دستور کار قرار داده‌اند که بتوانند تغییر نهادی معنادار موردنظرشان را رقم بزنند (استولر، ۲۰۱۸، ص ۸).

اغلب مؤسسات و نهادهای عالی در مواجهه با شک‌گرایی رو به تزیاید، به ساختارهای سازمانی رو به تزیاید و گروه‌های آموزشی و

قابل ملاحظه است و در این زمینه تحقیقات زیادی صورت گرفته است. در زمینه مبانی فلسفی نئولیبرالیسم در آموزش عالی برخط، تحقیقات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است (میرزامحمدی، ۱۳۹۹).

مربیان نئولیبرال بر این باورند که انتقاد و اختلاف عقیده با ساختار موجود، خواه اقتصادی، فرهنگی و نژادی، خواه جنسی و سیاسی؛ بی‌پایه و اساس است (اپل، ۲۰۰۱). مایکل اپل از جمله برجسته‌ترین نظریه‌پردازانی است که به نقد جدی نظام آموزشی و تعلیم و تربیت نئولیبرال می‌پردازد. اپل با دیدگاهی انتقادی، سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی‌ای را مورد نقد و چالش قرار می‌دهد که در خدمت قدرت و ایدئولوژی حاکم هستند. او معتقد است کشورهایی همچون آمریکا ایدئولوژی خود را که همان ایدئولوژی نئولیبرال باشد، بر سایر کشورهای جهان تحمیل می‌کنند و آنها را وادار می‌کنند که برنامه‌هایی را پیاده کنند که در جهت منافع سرمایه‌دارانه باشد. از جمله این حوزه‌ها، حوزه آموزش است که آب، توجه زیادی به آن دارد. اپل در کتاب‌های مهم خود آیا آموزش می‌تواند جامعه را تغییر دهد؟ با رویکردی انتقادی به بسط دیدگاه‌های کسانی می‌پردازد که منتقد سرسخت نظام آموزشی حاکم هستند، او کسانی مانند فریره، ژیرو، کاتوتس و مک‌لارن را روشنفکران مردمی می‌داند که پژوهشگران منتقد آموزش هستند، براساس پداگوژی انتقادی او، نه تنها دانش و آموزش خنثا و غیرجهت‌دار نیستند، بلکه به طور غیرقابل اجتناب‌ناپذیری سیاسی و ایدئولوژیک هستند، هدف پداگوژی انتقادی خودآگاهی انتقادی و رهایی‌بخشی از بی‌عدالتی و ستمی است که ممکن است. به طور سیستماتیک یا غیرسیستماتیک بر گروه یا گروه‌های عمدتاً فردوست اجتماع را روا داشته است، (بل، ۲۰۰۵، ص ۱۲).

با وجود این، کارکرد دانشگاه به عنوان نهاد آموزشی، هم راستای این وضعیت عمل کرده و آموزش را به عنوان یک کالا عرضه و نابرابری را بازتولید می‌کند. این امر که با مفهوم کالایی آموزش قابل فهم است، عرصه‌ای اجتماعی را در نظر می‌گیرد که در آن سبب با آموزش به عنوان یک کالا برخورد می‌شود و غالباً این استدلال مطرح است که خصوصی‌سازی به عنوان راه‌حل مشکلات و نارسایی‌های آموزش عمومی باید در نظر گرفته شود، بورديو بر آن است که سلطه منطق بازار و حاکم شدن ایدئولوژی نئولیبرالیسم، سبب به حاشیه راندن ارزش‌های اجتماعی شده است و به جای آن ایده‌های سود حاکم بر

مربیان نئولیبرال بر این باورند که انتقاد و اختلاف عقیده با ساختار موجود، خواه اقتصادی، فرهنگی و نژادی، خواه جنسی و سیاسی، بی‌پایه و اساس است (همان). علاوه بر این، نئولیبرال‌ها مدعی‌اند که این گونه انتقادها، محتوای بی‌طرف کلاس‌های درس را به سمت بحث‌های سیاسی می‌کشاند. از این رو نئولیبرال‌ها و محافظه‌کاران با این ادعاها تلاش می‌کنند تا محتوای ذاتاً سیاسی کلاس‌های درس را مخفی کنند و همه کسانی که جرئت می‌یابند نظام اقتصادی رایج و تأثیر آن بر آموزش و پرورش را زیرسؤال ببرند را به سوءاستفاده از قدرت، چپ‌گرا بودن و غیره متهم می‌کنند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳).

یکی از منابع اصلی در مبحث آموزش و یادگیری را معرفت تشکیل می‌دهد. لذا معرفت‌شناسی و نظریه دانش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و داشتن یک دیدگاه معرفت‌شناسانه یک نیاز اصولی است. معرفت‌شناسی با طرح سؤالاتی در زمینه ماهیت معرفت، حدود معرفت، راه‌های دستیابی به آن، معیارهای معرفت اعتمادپذیر و منابع کسب معرفت، مسیر فعالیت در حوزه تعلیم و تربیت را مشخص می‌کند (ر.ک: پاک‌سرشت و رضایی، ۱۳۸۷). تعریف دقیق دانش فعالیتی پیچیده است؛ چراکه دانش ماهیتی فازی و مبهم دارد.

دین مبین اسلام با تشریح ویژگی‌های علم نافع، کاربردی بودن را یکی از ویژگی‌های آن برشمردند. براساس تعالیم اسلامی، دانش فاقد عمل و بدون کاربرد، علم سودمندی نیست. دانش‌های کاربردی را می‌توان در زمره علوم نافع به حساب آورد؛ چراکه کاربردی شدن علوم باعث توسعه و رشد و پیشرفت خواهد شد. پیامبر اکرم ص می‌فرماید: عالم آن است که به علم عمل کند، هرچند عمل او اندک باشد (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶).

کاربردی بودن علم نافع به معنای دانش تجاری‌سازی متعارف نیست؛ بلکه دانشی است که با مبادی معرفتی بدان عمل می‌شود و غیرسودمند و مهمل نیست (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰). تجاری‌سازی یعنی تقاضا برای تبدیل یافته‌های جدید و ایده‌های پژوهشی به محصولات و خدمات و فناوری‌های قابل ارائه به بازار. در تجاری‌سازی این تقاضا زمینه کسب درآمد است و سپس از طریق آن، دانش را فراهم می‌کند (رشیدی، ۱۳۹۸).

نئولیبرالیسم در سده اخیر به دلیل گسترش در فضای آموزشی و پیوند دادن دانشگاه‌ها با مراکز صنعتی و بازارهای اقتصادی، تأثیر بسیار چشم‌گیری در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در کشورهای مختلف گذاشته؛ به طوری که در آموزش عالی چالش‌ها و دستاوردهای آن بسیار

به دنیای خارج و دنیای داخل، علم‌های حضوری است (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲). غیرآگاهانه، نیمه‌آگاهانه و آگاهانه بودن سه مرتبه‌ای است که برای علم حضوری ذکر شده است که علت اختلاف آنها به خاطر اختلاف مراتب وجود شخص درک‌کننده و یا وضعیت توجه اوست. مراتب شناخت زمینه‌ساز استخراج و تبیین دلالت‌های تربیتی و تعیین‌کننده برای تعلیم و تربیت اسلامی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۷۷).

دانش‌شناسی اسلامی با ارائه تصویری صحیح از نفع و سود و عمل صالح سودگرایی و اصالت سود نفی شده و زمینه بهره‌برداری معنوی و حلال از دانش مهیا شده است، دانش‌شناسی اسلامی با نقد تکیه نفع و سود به قراردادهای اجتماعی، نفع و سود را در چارچوب آموزه‌های وحیانی اسلام و ارائه الگوی دانش نافع، در شاخه‌های پنجگانه حلال، حرام، مستحب، مکروه و مباح تبیین کرده است (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۳۸۷). دین مبین اسلام با تشریح ویژگی‌های علم نافع، کاربردی بودن را یکی از ویژگی‌های آن برشمردند. براساس تعلیم اسلامی دانش فاقد عمل و بدون کاربرد، علم سودمندی نیست. دانش‌های کاربردی را می‌توان در زمره علوم نافع به حساب آورد؛ چراکه کاربردی شدن علوم باعث توسعه و رشد و پیشرفت خواهد شد. پیامبر اکرم ص می‌فرماید: عالم آن است که به علم عمل کند، هر چند عمل او اندک باشد (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶).

کاربردی بودن علم نافع به معنای دانش تجاری‌سازی متعارف نیست، بلکه دانشی است که با مبادی معرفتی بدان عمل می‌شود و غیرسودمند و مهمل نیست (اخوان کاضمی، ۱۳۹۰). تجاری‌سازی یعنی تقاضا برای تبدیل یافته‌های جدید و ایده‌های پژوهشی به محصولات و خدمات و فناوری‌های قابل ارائه به بازار، در تجاری‌سازی این تقاضا زمینه کسب درآمد و سپس تجاری‌سازی از طریق آن دانش فراهم می‌کند (رشیدی، ۱۳۹۸).

### نتیجه‌گیری

پژوهش در مبانی معرفت‌شناختی فلسفی و همچنین مسائل علوم انسانی از دید تعلیم و تربیت بخصوص تعلیم و تربیت اسلامی و تبیین آنها و وارد کردن نقد بر آنها از جمله فعالیت‌های پژوهشگران و محققان بخصوص دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌باشد. در خصوص موضوع مورد بحث یعنی تبیین مبانی معرفت‌شناسی نئولیبرالیسم در آموزش و نقد آن از علامه مصباح یزدی تألیفات و نگاشته‌های مختلفی به چاپ نرسیده است. تبیین و نقد صورت‌گرفته در مبانی معرفت‌شناختی نئولیبرالیسم می‌تواند کمک شایانی در

روابط و مناسبات اجتماعی گردیده است (بوردیو، ۱۳۸۷، ص ۳۱). گسترش عقلانیت اقتصادی نئولیبرال در آموزش عالی سبب تغییر نقش استاد در درون کلاس درس شده است. کسانی که تا پیش از این، تنها برای آموزش و تحقیق آمادگی می‌یافتند، اکنون مبلغان ایدئولوژی نئولیبرال به شمار می‌آیند (اپل، ۲۰۰۱). این وضعیت آموزش عالی یعنی بازاری شدن آن سبب شد تا محتوا و روش‌ها همچنین اهداف آموزشی تسلیم بازار تجاری شوند. در این تحلیل نشان داده است که دانشگاه‌ها به طور فزاینده درصدد برآمدند تا در این بازار رقابتی برای جلب نظر دانشجویان تلاش کنند و برای این کار به آزمون‌های استاندارد، جدول‌ها و طرح‌های زمان‌بندی متوسل شدند (برول، ۲۰۰۵).

### ۲. مبانی معرفت‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی

مبانی معرفت‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی، گزاره‌هایی توصیفی یا اخباری‌اند که محمول‌های خاصی را رای موضوع اصلی این گزاره‌ها یعنی شناخت، اثبات می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۴۵) شناخت یا علم و به معرفت نه نیازمند به تعریف است و نه قابل تعریف، چون روشن‌ترین مفاهیم تعریف است. مفهوم علم همچون مفهوم وجود است، شناخت از آن جهت که نحوه خاصی از هستی و از سنخ وجود است سرگذشتی همتای هستی دارد که از لحاظ مفهوم در نهایت روشنی و از جهت کنه در نهایت ابهام می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳). همه فلاسفه اسلامی، توانایی شناخت و معرفت در انسان را تأیید نموده و بر آن صحنه گذارده‌اند.

بهترین دلیل بر امکان شناخت، وقوع آن در عالم خارج است. مسئله امکان شناخت یا توانایی انسان برای شناخت و معرفت، مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مسئله در میان مسائل شناختی است و معمولاً در کتب و منابع این علم، به‌عنوان اولین مسئله ذکر می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۴۷). شناخت یا ادراک سه مرتبه دارد: احساس، تخیل، تعقل. احساس پایین‌ترین مرتبه شناخت و تعقل والاترین مرتبه شناخت است. و تخیل حد واسط این دو. شناخت عقلی که فصل ممیز انسان است سه مرتبه دارد: شناخت ماهوی، شناخت فلسفی و شناخت منطقی. اما شناخت دیگری نیز وجود دارد که بدون وساطت صور و مفاهیم ذهنی حاصل می‌شود و آن، شناخت حضوری است. شناخت حضوری، یافتن و درک کردن واقعیت معلوم است، بدون هرگونه واسطه ذهنی و خطا در آن وجود ندارد و اگر خطایی هست در مرحله تطبیق‌ها و تفسیرهای بعدی است. مبنا و مأخذ تمام علم‌های حصولی، یعنی اطلاعات معمولی و ذهنی ما نسبت

داشتن دید کاملی نسبت به فراز و نشیب‌های نئولیبرالیسم و دستیابی به شناخت کلی از فضای حاکم بر آن را فراهم نماید، و در بعد عملی نیز این پژوهش می‌تواند در راستای تشریح مبانی فلسفی معرفت‌شناختی، نگاه جدیدی را در متفکران و برنامه‌ریزان این حوزه در جامعه به وجود آورد و تاکنون تحقیقات مختلفی در دوره‌های مختلفی صورت گرفته است، اما تحقیقی که به صورت مستقیم به تبیین، و نقد مبانی فلسفی معرفت‌شناختی آن پرداخته باشد. انجام نشده است و لذا ضرورت ایجاد می‌کند، که در این نوشتار این مبحث را با رویکردی تربیتی آن هم از دید مبانی فلسفی معرفت‌شناختی با تأکید بر تعلیم و تربیت اسلامی مدنظر قرار دهیم. ذهنیت حکومت نئولیبرالیسم سعی بر آن دارد که افرادی پرورش یابند که خودمحموری ویژگی اساسی آن است. این سوژه در ظاهر، آزاد و مختارند تا زمان و منابع خود را برای تحقق هرچه بیهینه‌تر سرمایه انسانی در وجود خودشان مدیریت کنند و اعضای حوزه آموزش وارد فضای رقابتی و مبهم می‌شوند و امنیت شغلی آنها در گرو تطابق با معیارهای مستمر و استانداردها می‌باشد. ولی از منظر علامه مصباح یزدی اساسی‌ترین جایگاه علم: (ف) آماده ساختن نیروی انسانی، کارآمد، شایسته و دارای مهارت به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در زمینه‌های مختلف می‌باشد استنباط و استنتاج گردید. (ب) ضرورت کاربردی کمک به دست‌اندرکاران آموزش علوم برای درک معرفت‌شناسی و نظریه - کمک به دانشجویان فلسفه تعلیم و تربیت در شناخت و فهم بیشتر مبانی معرفت‌شناسی و نگرش به دانش و علم - کمک به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت جهت تدوین برنامه‌ها و محتوای آموزشی بر مبنای معرفت‌شناسی و تعلیم و تربیت اسلامی بهره‌گیری و ارزیابی از یافته‌های علمی و فناوریانه و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آنها جهت ایجاد صورت‌های جدید واقعیت یا خلق روش‌ها و ابزارهای نوین برای وصول به اهداف متعالی در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی در نظام آموزش عالی برخط برنامه‌ریزی و اجرای آگاهانه فعالیت‌های علمی و پژوهشی برای دستیابی خود و جامعه به آینده مطلوب.

## منابع

- راهِ دور، تهران، دانشگاه الزهراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *فلسفه صدر، تهران، دریا*.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، *فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء*.
- ذاکر صالحی، غلامرضا، ۱۳۸۳، *دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی، تهران: کویر*.
- رایان، سالوین، ۱۳۷۸، *لیبرالیسم: معنا و تاریخ آن*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، نشر مرکز.
- رشیدی، شیرین، ۱۳۹۸، «مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه و تعلیم و تربیت قرآن بنیان»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، دوره هفتم، ش ۱۳، ص ۱۰۶-۱۳۵.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۶، *الامالی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
- غلامی، عباس، ۱۳۹۶، «بررسی و نقد آموزش عالی با تأکید بر آرا ژیرو»، در: *هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت*، شیراز، دانشگاه شیراز.
- محمدی، حمداله و حسن میرزاحمدی، ۱۳۹۷، «انسان اقتصادی از منظر مکتب تربیتی لیبرالیسم کلاسیک تا نئولیبرالیسم»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۸(۲)، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- محمدی، حمداله و فاطمه زیباکلام، ۱۳۹۳، «نقد سیاست‌های نئولیبرالیسم برای ایجاد هویت نوین»، *مطالعات ملی*، سال پانزدهم، ش ۱ (پیاپی ۵۷)، ص ۴۳-۶۷.
- محمدی، حمداله و فاطمه زیباکلام، ۱۳۹۷، «بررسی انتقادی سیستم پاسخ‌گویی تأملی بر تلقی دانشگاه به‌عنوان نهاد شبه‌بازار»، *مطالعات ملی*، سال پانزدهم، ش ۱ (۵۷)، ص ۴۳-۶۷.
- محمدی، حمداله و فاطمه زیباکلام، ۱۳۹۷، «تعلیم و تربیت و کارآفرین رقابتی: تأملی بر تحول مفهوم انسان اقتصادی از مکتب تربیتی»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۸(۲)، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- محمدی، حمداله و محمدحسن میرزاحمدی، ۱۳۹۹، «تأملی بر مبانی انسان‌شناسی ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران و سنخ‌سازواری آن با انسان‌شناسی اسلامی»، *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، دوره دهم، ش ۲۳، ص ۷۸-۱۰۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۶، *آموزش فلسفه*، چ چهارم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *مسئله شناخت*، چ پنجم، تهران، صدرا.
- نیک‌نشان، شقایق و دیگران، ۱۳۹۶، «آسیب‌شناسی گفت‌مان تربیت دینی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۳، ص ۱۴۱-۱۶۴.
- Apple, M., 2001, "Comparing neo-liberal projects and inequality in education", *Comparative Education*, N. 37(4), p. 409-423.
- Ball, H. Jeanne, 2005, *The Sociology of Education Prentice Hall*, Inc.
- Brol, W., 2005, "Freedom and the Strong State: On German Ordoliberalism", *New Political Economy*, V. 17, N. 5.
- Clark, M, 2005, *Neo-Liberalism and its Prospects*, Oslo, Norway.
- Friedman, M, 1980, *Free to Choose*, New York, Harcourt Brace Jovanovich.
- \_\_\_\_\_, 1951, *Neo-Liberalism and its Prospects*, Oslo, Norway.
- Girou, H. A., and Giroux, S. S., 2004, *Take back higher education: Race, youth, and the crisis of democracy in the post-civil rights era*, New York, Palgrave Macmillan.
- Stoller, Kramer, 2018, "The neoliberal theory of society", in A Saad-Filho and D. Johnston Daniel B. Saunders Page 70 (eds.), *Neoliberalism: A critical reader*, Ann Arbor, MI.

اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۹۰، «تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور»، *معرفت در دانشگاه اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۴، ص ۱۱۰-۱۲۲.

پوردیو، پیر، ۱۳۸۷، *اساس معرفت*، ترجمه کیهان ولی‌نژاد، چ دوم، تهران، دیگران.

پاک‌سرشت، محمدجعفر و محمدهاشم رضایی، ۱۳۸۷، *تأثیر دیدگاه‌های معرفت‌شناسی بر فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در نظام آموزش باز از*